

اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶

خلاصه

مقدمه و هدف: توجه به فرایندهای روانی، هیجانی، شناختی، روان‌شناختی و دلبستگی کودکان می‌تواند زمینه را برای کاهش آسیب‌های روان‌شناختی مهیا سازد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش با روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه انجام شد. دوره پیگیری نیز دوماهه اجرا شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان منطقه ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به همراه والدینشان بود. در این پژوهش تعداد ۲۷ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جایدهی شدند (۱۴ دانش‌آموز در گروه آزمایش و ۱۳ دانش‌آموز در گروه گواه). گروه آزمایش آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا را طی دو و نیم ماه در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت نمودند. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه دلبستگی کودکان (CAQ) بود. داده‌های حاصل از پژوهش به شیوه تحلیل واریانس آمیخته و آزمون تعقیبی بونفونی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که فرزندپروری مثبت‌گرا بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان تأثیر معنادار دارد ($F=50/58; Eta=0/67; P<0/001$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرزندپروری مثبت‌گرا با بهره‌گیری از روش‌های فرزندپروری بهنجار و اصول ارتباطی مناسب به عنوان یک روش کارآمد می‌تواند جهت بهبود کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی

دلبستگی، دانش‌آموزان دختر، فرزندپروری مثبت‌گرا

پی‌نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

وحیده عظیمی^۱

رضا قربان جهرمی^{۲*}

فریبرز درتاج^۳

خدیجه ابوالمعالی^۴

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۳ استاد تمام گروه روان‌شناسی تربیتی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۴ دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

Email: rghorban@gmail.com

مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. اغلب اختلالات و ناسازگاری‌های رفتاری پس از این دوران ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و عدم هدایت صحیح در روند رشد و تکامل است. این بی‌توجهی منجر به عدم سازش و انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف تحولی برای کودک می‌شود (ووک، گا و چنانگ، ۲۰۱۷). دوران کودکی دوره مهمی از نظر بررسی و تشخیص مشکلات هیجانی، اجتماعی و رفتاری کودکان به شمار می‌رود و تشخیص و درمان مناسب این مشکلات می‌تواند در آینده‌ی زندگی خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی کودکان بسیار مؤثر واقع شود (کیو، وانگ، تانگ، وو، ژانگ و سانگ، ۲۰۲۰). در دو دهه گذشته، علاقه به تحول روان‌شناختی کودکان به سرعت افزایش یافته است که شاید یکی از دلایل آن آمارهای هشدار دهنده‌ای باشد که درباره اختلال‌های روان‌شناختی کودکان ارایه می‌شود. تمام کودکان ممکن است در معرض سطوح مختلف مشکلات رفتاری و هیجانی قرار گیرند و بسیاری از این آشفتگی‌ها را می‌توان به مثابه پاسخ‌های بهنجاری به رویدادهای تنیدگی‌زای متداول زندگی و بخشی از فرایند تحول بهنجار تلقی کرد. اما در حقیقت آنچه این مشکلات را نیازمند توجه بالینی می‌سازد بیش از آن که کیفیت این مشکلات باشد کمیت آن‌ها است (کات، کراول، هینز و استر، ۲۰۱۸). به علت اینکه الگوهای هیجانی و رفتاری در بزرگسالی دشوارتر تغییر می‌کنند، تشخیص هر چه زودتر مشکلات سلامت روان در کودکی یکی از مسایل پیشگیرانه بهداشت همگانی است. بررسی تاریخچه بزرگسالانی که دچار مشکلات روانی هستند نشان داده است که این افراد

دوران کودکی نابسامانی داشته یا در دوره ای از رشد خود، برخی آشفتگی‌های هیجانی و رفتاری را تجربه کرده‌اند. از آنجائی که گرایش به تداوم اختلالات دوران کودکی تا سنین بزرگسالی وجود دارد، توجه فزاینده‌ای به پیشگیری و درمان آنها معطوف شده است (مگین و مارس، ۲۰۱۷). یکی از فرایندهای مهم تحولی کودکان که در اثر ایجاد مشکلات رفتاری، تعارض والدین و یا چرخه فرزندپروری نابهنجار دچار آسیب می‌گردد، دلبستگی است (بخنده، قیاسی پیرزمان و الهیان، ۱۴۰۰؛ شوانگ و همکاران، ۲۰۲۲). دلبستگی پیوند عاطفی عمیق که با افراد خاصی در زندگی خود برقرار می‌کنیم، طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از این که آن‌ها را در کنار خود داریم احساس آرامش کنیم. نوباوگان در پایان سال اول زندگی، به افراد آشنایی که نیازهای جسمانی آن‌ها را برآورده کرده‌اند، دلبسته می‌شوند. به‌طور کلی دلبستگی را می‌توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. اینکه کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست، می‌جوید و به او می‌چسبید مؤید وجود دلبستگی میان آن‌ها است (جوی، تیلور، هونگ، کی و یی، ۲۰۱۸). عدم موفقیت در شکل‌گیری دلبستگی ایمن در سال‌های اولیه زندگی، می‌تواند تأثیرات منفی بر رفتارهای دوران کودکی و نیز بزرگسالی بر جای بگذارد. مشاهده گردیده کودکان و نوجوانانی که مشکلات رفتاری شدید همچون بزهداری، پرخاشگری و اختلال نافرمانی مقابله‌ای برایشان تشخیص داده شده است، اغلب دچار مشکلات دلبستگی بوده و تاریخچه‌ای از بدرفتاری، غفلت یا آسیب‌های دوران اولیه کودکی را به همراه دارند (صدری، زارع بهرام آبادی و غیائی، ۱۳۹۵). بر همین مبنا، بسیاری از اختلال‌های شخصیت و اشکال روان‌آزردگی‌ها ناشی از محرومیت کودک از

5. attachment

6. Shuang

7. Choi, Taylor, Hong, Kim, Yi

1. Kwok, Gu, Cheung

2. Qu, Wang, Tang, Wu, Zhang, Sun

3. Keute, Krauel, Heinze, Stenner

4. Magnin, Maurs

کودکی اول و کودکی دوم فرزندان خانواده وابسته است. کودکی که با غفلت و سهل انگاری یا با خشونت و تدروری تربیت شده یا شاهد بحران‌های بزرگی در خانواده مانند تنبیه، تعارضات شدید و جدایی والدین باشد، معمولاً تکانه‌ای، خطرپذیر، دارای حساسیت پایین و خودکنترلی ضعیف است و معمولاً به راحتی می‌تواند مرتکب رفتارهای مجرمانه و مخرب شود (دبیریان تهرانی و یمینی، ۲۰۲۰). بر این اساس می‌توان با مداخلات مبتنی بر خانواده نسبت به بهبود کیفیت دلبستگی کودکان اقدام نمود. یکی از روش‌های پرکاربرد مبتنی بر خانواده، آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا^۸ است (یاماگا و بارد^۹؛ ۲۰۱۹) که تاثیر آن در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است.

در پژوهش‌های خارجی کامینگ، پولینگ، پتواردهان و اوزنبوگ^۹ (۲۰۲۲) تاثیر والدگری مثبت را بر شایستگی رفتاری و اجتماعی کودکان؛ ویدیواتی، شولت، کلیمانس و اوتن^{۱۰} (۲۰۲۱) اثر فرزندپروری مثبت را بر تاب‌آوری والدین و کیفیت زندگی کودکان با ناتوانی رشدی و تحولی؛ جیانگ، جیانگ، رن و وانگ^{۱۱} (۲۰۲۱) نقش موثر والدگری مثبت بر بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان؛ اسوندسن، گریفین و فورکی^{۱۲} (۲۰۲۰) اثربخشی والدگری مثبت را بر تاب‌آوری روانی و رفتاری کودکان؛ شان^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۹) اثربخشی والدگری مثبت را بر بهزیستی روان‌شناختی کودکان؛ دوموف و نایک^{۱۴} (۲۰۱۸) تاثیر مداخلات مبتنی بر تعاملات والد-فرزند مثبت بر بروز و تداوم مشکلات رفتاری و تغذیه‌ای کودکان؛ لورن، کوتسچ، رایبسون، مک کوی و

مراقبت مادرانه (جا و لی^{۱۵}؛ ۲۰۱۸)، عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی و یا روابط والد-فرزندی آسیب‌زا و غفلت شده می‌باشد (هسا و اسکات^{۱۶}؛ ۲۰۲۰). دلبستگی عامل مهمی در تامین رشد عاطفی و اجتماعی کودک در سال‌های بعدی زندگی او است. دلبستگی بر رشد اجتماعی کودک تاثیر می‌گذارد، بدین ترتیب که او به دلیل دلبستگی به والدین خود، ارزش‌ها و معیارهای افرادی را که از او مراقبت می‌کنند یعنی والدینش را می‌پذیرد (ژائو، لیو و لی^{۱۷}؛ ۲۰۲۰). چنانکه گرا^{۱۸} و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند که کیفیت روابط والد-فرزندی و به تبع آن شکل‌گیری دلبستگی سازگاران به عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری شخصیت بعدی کودکان و نوجوانان ایفای نقش می‌کند. سبک دلبستگی در آغاز شکل‌گیری و در مراحل بالاتر تحول فرد، عناصر هیجانی، رفتاری، شناختی، جنسی-لامسه‌ای، روانی و امنیت جسمی دخیل است که در سبک‌های گوناگون به اشکال متفاوت بروز و ظهور می‌یابد (پاس، گاریرو و زاواتینی^{۱۹}؛ ۲۰۲۰). نظریه دلبستگی چارچوب تحولی مهمی برای درک تاثیر روابط اولیه با مراقب بر فرایندهای مؤثر در بروز آسیب روانی در کودکان، مانند انتظارات شناختی-رفتاری، ظرفیت نظم‌جویی هیجانی-رفتاری و راهبردهای مقابله با تنیدگی در اختیار می‌گذارد. سازمان دلبستگی ایمن عامل محافظت کننده در مقابل آسیب روانی و باعث قرار گرفتن در مسیر تحولی بهنجار است و در مقابل نایمنی سازمان شخصیت به عنوان عامل خطر ساز و افزایش دهنده احتمال ابتلا به اختلال‌های روانی مطرح می‌شود (فینگر-شال و جولس^{۲۰}؛ ۲۰۱۸).

سطح دلبستگی کودک به کیفیت تعامل والد با او در سال‌های کودکی اول و نحوه سازگاری و تعامل والدین در دوره‌های

8. Yamaoka, Bard

9. Cumming, Poling, Patwardhan, Ozenbaugh

1. Widyawati, Scholte, Kleemans, Otten

1. Jiang, Jiang, Ren, Wang

1. Svendsen, Griffin, Forkey

1. Shan

1. Domoff, Niec

1. Ju, Lee

2. Hsu, Scott

3. Zhao, Liu, Li

4. Gerra

5. Pace, Guerriero, Zavattini

6. Feniger-Schaal, Joels

7. Positivist Parenting Method Training

والدین؛ ایجاد محیط پرورش دهنده ایمن، تشویق کننده، عاری از خشونت برای کودکان؛ ارتقاء کارآیی اجتماعی، هیجانی، کلامی، هوشی و رفتاری کودکان از طریق اقدامات روش فرزندپروری مثبت‌گرا است (لادمر، سالسبوری، سارز و اندرادا^۴ ۲۰۱۷). فرزندپروری مثبت‌گرا، روشی است که از لحاظ تجربی مورد حمایت بوده و برای در مان اختلالات رفتاری در فرزندان و خانواده‌ها طراحی شده است. هدف از فرزندپروری مثبت‌گرا این بود که از سوء رفتاری که والدین با فرزندانشان دارند، جلوگیری به عمل آید. فرزندپروری مثبت‌گرا به والدین کمک می‌کند تا با فرزندانشان روابطی گرم و پاسخگرانه برقرار سازند و رفتارهای فرزند را به طور مؤثرتری مدیریت نمایند (کندی، کیم، تریپودی، براون و گاودی^۵ ۲۰۱۴).

در ضرورت انجام پژوهش حاضر می‌توان گفت، وجود دلبستگی ناسازگارانه در کودکان، بر تعامل خانوادگی و اجتماعی کودکان تأثیر منفی گذاشته و عملکرد فردی و خانوادگی آنان را دچار اختلال می‌کند. از طرفی روش‌های فرزندپروری مورد استفاده والدین این کودکان به شکل عمده تشدید کننده رفتارهای آسیب‌زا در این کودکان است. بنابراین احساس می‌گردد فرزندپروری مثبت‌گرا با تغییر در شیوه تعاملی و فرزندپروری والدین، بتواند دارای اثرگذاری مناسبی بر بهبود کیفیت دلبستگی کودکان باشد. علاوه بر ضرورت انجام پژوهش، خلا پژوهشی را نیز می‌توان اینگونه بیان نمود که با توجه به اهمیت نقش والدین و شیوه تعاملی آنها در کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان، تاکنون در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان پرداخته نشده است. حال با توجه به موضوعات طرح شده و پژوهش‌های صورت پذیرفته در مورد اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر بهبود مشکلات روانی و رفتاری کودکان، و از سوی دیگر با توجه به خلا پژوهشی حاضر به

مک‌نیل^۱ (۲۰۱۸) نقش معنادار تعامل والد فرزند مثبت در بهبود علائم بالینی و روان‌شناختی کودکان آسیب‌پذیر؛ نازی، لاکاش، کلینوسکی و ایبر^۲ (۲۰۱۸) اثربخشی برنامه والدگری مثبت را بر بهبود عملکرد هیجانی و روان‌شناختی کودکان دارای اختلالات رفتاری مورد بررسی و تایید قرار داده‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز حاج خدادادی، اعتمادی، عابدی و جزایری (۱۴۰۰) اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت را بر والدگری موثر و کیفیت رابطه والد-فرزند مادران؛ کریم‌زاده، خدابخشی کولایی، داوودی و حیدری (۱۴۰۰) اثربخشی برنامه والدگری مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌گرا را بر خودکارآمدی، ناگویی هیجانی و بار روانی مادران کودکان با مشکلات رفتاری؛ جولائیها، جان‌بزرگی، علی‌پور و پسندیده (۱۴۰۰) اثربخشی فرزندپروری مثبت را بر حرمت خود، خودکارآمدی و خودمهارگری کودکان دارای والدین پراسترس؛ حاتمی‌فر، زارع، شهریاری احمدی (۱۳۹۹) اثربخشی آموزش والدگری مثبت را بر بهبود رابطه والد-کودک؛ شیخی ولاشانی و جوادزاده شهشانی (۱۳۹۹) اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت را بر کم‌توجهی و بیش‌فعالی- تکانشگری کودکان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی؛ فرشاد، نجارپوریان و شنبیدی (۱۳۹۷) تأثیر آموزش والدگری مثبت را بر شادزیستی و تعارض والد-فرزند دانش‌آموزان؛ رضایی، غضنفری و رضائیان (۱۳۹۶) اثربخشی آموزش گروهی والدگری مثبت را بر استرس و خودکارآمدی والدگری مادران و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان؛ مورد بررسی و تایید قرار داده‌اند.

فرزندپروری مثبت‌گرا مهارت‌های مدیریت مثبت را به والدین آموزش می‌دهد تا جایگزین فرزندپروری ناکارآمد و استبدادی آنها شود. همچنین این برنامه، نگرش‌های والدین را، مورد توجه قرار داده و سعی در جهت‌اصلاح آنها دارد (ترنر، دادز-مرکی و ساندرز^۳ ۲۰۰۲). هدف این برنامه، افزایش دانش، مهارت، اطمینان و خودکارآمدی

4. Ludmer, Salsbury, Suarez, Andrade

5. Kennedy, Kim, Tripodi, Brown, Gowdy

1. Lauren, Quetsch, Robinson, McCoy, McNeil

2. N'zi, Lucash, Clionsky, Eyber

3. Turner, Mrkie-Dadds & Sanders

اما والدین دانش‌آموزان گروه گواه آموزشی دریافت نکردند. لازم به ذکر است که آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا برای والدین این کودکان اجرا شد. به همین دلیل، از والدین این دانش‌آموزان نیز جهت شرکت در پژوهش دعوت شد (از هر دانش‌آموز یک والد حضور یافته و اطلاعات در یافتی را در اختیار دیگر والد نیز قرار می‌داد). قبل از شروع مداخلات، تعداد ۲ نفر از والدین از حضور در جلسات انصراف دادند که ۲ والد دیگر جایگزین شد. اما پس از شروع مداخلات، ۱ والد در گروه آزمایش و ۲ والد در گروه گواه از مطالعه انصراف دادند. بر این اساس، ۲۷ والد (۱۴ نفر در گروه آزمایش و ۱۳ نفر در گروه گواه) در مطالعه باقی ماندند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل جنسیت دختر، حضور در کلاس پنجم دبستان، کسب نمره کمتر از ۶۰ در پرسشنامه دلبستگی کودکان، رضایت کودک و والدین جهت شرکت در پژوهش و نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن دیگر (با توجه به پرونده سلامت و مشاوره‌ای آنان) بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل داشتن بیش از دو جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس، عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند انجام پژوهش و وقوع حادثه پیش‌بینی نشده بود.

ابزارهای سنجش

پرسشنامه دلبستگی کودکان (CAQ): پرسشنامه دلبستگی کودک توسط کاپنبرگ و هالپرن (۲۰۰۶) طراحی شده است. تعداد سوالات آن ۲۰ و هدف آن سنجش دلبستگی کودکان در دوره میانی (قبل از دبستان و دبستان) است. طیف نمره‌دهی این پرسشنامه بر اساس لیکرت بوده که امتیازات مربوط به هر گزینه (هرگز: نمره ۱؛ به ندرت: نمره ۲؛ گاهی: نمره ۳؛ اغلب اوقات: نمره ۴ و همیشه: نمره ۵) اختصاص داده می‌شود. دامنه نمرات پرسشنامه بین ۲۰ تا ۱۲۰ بوده که بر این اساس کسب نمره

دلیل عدم انجام پژوهشی مشابه، هدف انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان است.

روش کار

روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان منطقه ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به همراه والدینشان بود. در این پژوهش جهت انتخاب دانش‌آموزان با کیفیت دلبستگی پایین از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین صورت که به منظور شناسایی دانش‌آموزان با کیفیت دلبستگی پایین، ۸ دبستان دخترانه از بین دبستان‌های منطقه ۵ تهران انتخاب شدند. در مرحله بعد با مراجعه به این دبستان‌ها، از معلمان کلاس پنجم درخواست شد دانش‌آموزان دارای نشانه‌های کیفیت دلبستگی پایین همچون عدم توانمندی برقراری ارتباط عاطفی و هیجانی با دانش‌آموزان، معلمان و والدین را معرفی نمایند. در این مرحله تعداد ۶۹ دانش‌آموز دختر معرفی شدند. سپس پرسشنامه دلبستگی کودکان به والدین این کودکان ارائه شد تا به آنها پاسخ داده شود تا اطمینان حاصل شود که کودکان معرفی شده دارای کیفیت دلبستگی پایین هستند. پس از اجرای پرسشنامه دلبستگی کودکان، تعداد ۵۸ دانش‌آموز نمره کمتر از میانگین کسب نموده و تشخیص کیفیت دلبستگی پایین را دریافت نمودند (نمره کمتر از ۶۰ در پرسشنامه دلبستگی کودکان). در مرحله بعد از بین دانش‌آموزانی که تشخیص کیفیت دلبستگی پایین دریافت کردند، ۳۰ کودک به طور تصادفی انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (۱۵ کودک در گروه آزمایش و ۱۵ کودک در گروه کنترل) قرار گرفتند. لازم به ذکر است دانش‌آموزان از پایه پنجم انتخاب شدند. سپس والدین دانش‌آموزان گروه آزمایش به مدت دو ماه و نیم تحت مداخله آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا قرار گرفتند.

2. Kappenberg, Halpern

1. Child Attachment Questionnaire

نکرد. پس از آخرین جلسه، والدین هر دو گروه (آزمایشی و کنترل) به پرسشنامه‌های پژوهش در قالب پس‌آزمون پاسخ دادند. بعد از دو ماه مرحله پیگیری انجام شد. پس از شروع مداخلات، ۱ والد در گروه آزمایش و ۲ والد در گروه گواه از مطالعه انصراف دادند. بر این اساس، ۲۷ والد (۱۴ نفر در گروه آزمایش و ۱۳ نفر در گروه گواه) در مطالعه باقی ماندند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، رضایت دختران پایه پنجم دبستان و والدین برای شرکت در برنامه مداخله اخذ و تمامی مراحل مداخله اطلاع‌رسانی شد. همچنین به گروه گواه اطمینان داده شد که پس از اتمام فرآیند تحقیق، آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا را به صورت رایگان دریافت خواهند کرد. همچنین به هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه خواهد بود و نیازی به ذکر نام نخواهد بود. در پژوهش حاضر از پروتکل آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا استفاده شده است که توسط خدابخشی کولایی و همکاران در سال ۱۳۹۴ بنا شده است. اعتبارسنجی این بسته درمانی در ایران و برای جامعه آماری والدین کودکان با مشکلات رفتاری مورد بررسی و مورد تایید قرار گرفته است (شیخی ولاشانی و جوادزاده شهبهانی، ۱۳۹۹).

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا

(خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۴)

جلسه	هدف	محتوا
جلسه اول	آموزش والدگری مثبت گروهی	آشنایی با برنامه، بحث در مورد روابط والد-کودک و علت مشکلات رفتاری و اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی، ترغیب والدین به مشاهده و پیگیری رفتار فرزندان خود و تعیین اهدافی برای تغییر رفتار آنها.
جلسه دوم	ارتقای رشد کودک	آموزش راهبردهای ارتباط مثبت با فرزندان مانند صحبت کردن، ابراز احساسات و اختصاص زمان به کودک برای ابراز وجود، تمرین و ایفای نقش والدین در گروه‌های کوچک.
جلسه سوم	ارتقای رشد کودک	آموزش راهبردهایی مانند آموزش اتفاقی، روش پرسیدن و گفتن و انجام

بالاتر بیانگر کیفیت دلبستگی بهتر است. نمرات کمتر از ۶۰ کودکانی را شامل می‌شود که دارای کیفیت دلبستگی آسیب‌پذیر هستند. در خارج از کشور همبستگی معنی‌دار نمرات این پرسشنامه با نمرات پرسشنامه‌های هیجان‌های مادرانه روایی همگرا، واگرا و همزمان مقیاس را تایید کرد. همچنین پایایی آزمون - بازآزمون این پرسشنامه ۰/۷۹ گزارش شده است (کاپنبرگ و هالپرن، ۲۰۰۶). در ایران نیز در پژوهش سلیمانی، بشاش و لطیفیان (۱۳۹۳) روایی و پایایی این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد که آزمون KMO برابر با ۰/۷۳ و در سطح مطلوب بوده و آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنی‌دار بود. ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه در حد بالایی بدست آمد. محاسبه ضریب آزمون - بازآزمون به فاصله یک ماه مطلوب و بالا بود. تحلیل عاملی تاییدی، نتایج حاصل از تحلیل عامل به چرخش واریماکس را تایید کرد (سلیمانی، بشاش و لطیفیان، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر علی‌قواتی، شریفی، غضنفری، عابدی و نقوی (۱۳۹۸) ضریب پایایی نمره کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

روند اجرای پژوهش

پس از اخذ مجوزهای لازم از آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران و مدارس منتخب دخترانه، غربالگری و تشخیص دختران پایه پنجم دبستان با کیفیت دلبستگی پایین و با همکاری معلمان و والدین در مرحله پیش‌آزمون، پرسشنامه پژوهش توسط والدین کودکان حاضر در پژوهش پاسخ داده شد. در مرحله بعد، مداخله آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا توسط محقق و یک روان‌شناس مجرب و مسلط در زمینه آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به مدت دو ماه و نیم (هفته‌ای یک جلسه) بر روی والدین کودکان حاضر در گروه آزمایش انجام شد. در صورتی که گروه گواه مداخله آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا را دریافت

نگهداری تغییر و چگونگی حفظ تغییرات مثبت به والدین آموزش داده خواهد شد. اختتام جلسات.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها، آزمون موچلی جهت بررسی پیش فرض کرویت داده‌ها و همچنین از تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته پژوهش در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد کیفیت دلبستگی

در دو گروه آزمایش و گواه

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
	میان	انحرا	میان	انحرا	
گروه	۷۱	۳۵	۷۱	۹۲	۹۱
آزما	۵۸	۱۰	۶۹	۹	۶۸
یش					
گروه	۸۴	۱۰۵	۵۳	۳۳	۶۲
گواه	۵۷	۱۲	۵۷	۱۳	۵۷

نتایج جدول ۲ نشان داد که میانگین متغیر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر در گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون افزایش یافته است. قبل از ارائه نتایج تحلیل واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های

دادن به منظور یاددهی رفتارها و

مهارت‌های جدید به فرزندان

جلسه مدیریت رفتار کارآمد
چهارم بحث در مورد انواع تقویت کننده‌ها، آشنایی با اصول و چگونگی بکارگیری آنها.

جلسه مدیریت رفتار کارآمد
پنجم آموزش راهبردهای افزایش رفتارهای مطلوب مانند تحسین کلامی و غیر کلامی و اقتصاد ژتونی، فراهم کردن فعالیت‌های لذت‌بخش و جذاب و بازخورد فوری و عینی.

جلسه مدیریت رفتار ناکارآمد
ششم بحث درباره روش‌های گوناگون تنبیه مثبت و منفی، آشنایی با اصول و چگونگی به کارگیری آنها؛ بحث با والدین درباره پیامدهای منفی تنبیه و استفاده موثر از آن، آموزش راهبردهایی مانند وضع قانون، بحث مستقیم، دستور دادن مستقیم و روشن و نادیده گرفتن.

جلسه مدیریت رفتار هفتم
آموزش راهبردهایی برای جایگزینی تنبیه به شکل پیشرفته مانند شناسایی پیامدهای منطقی؛ ارائه تلفیقی از راهبردهای معرفی شده، آموزش برنامه‌های کاربردی مانند برنامه روزانه پیروی، برنامه اصلاح رفتار و نمودار رفتاری.

جلسه از پیش برنامه‌ریزی کردن
هشتم آموزش والدین به منظور شناسایی موقعیت‌های پرخطر، بکارگیری راهبردهای معرفی شده در قالب روش‌های برنامه‌ریزی شده و ارائه رهنمودهایی به والدین برای بقا و دوام خانواده.

جلسه شکل‌دهی رفتار سازگارانه
نهم بررسی آموزش‌های مربوط به جلسه قبل و دادن بازخورد، آموزش استراتژی‌هایی نظیر آموزش اتفاقی، روش پرسش و سوال به والدین برای شکل‌دهی به رفتارهای مطلوب و جدید در کودکان.

جلسه چگونگی حفظ تغییرات مثبت
دهم در این جلسه درباره تغییرات مثبتی که از زمان شروع برنامه آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا ایجاد شده بود تبادل نظر خواهد شد و درباره موانع

کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر معنادار بوده و نوع درمان دریافتی (آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا) در مراحل مختلف ارزیابی هم بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر تاثیر معنادار داشته و ۶۷ درصد از تفاوت در نمرات کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر را تبیین می‌کند. در مجموع آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر در مراحل مختلف مورد ارزیابی تاثیر داشته است. حال در جدول ۴ مقایسه زوجی میانگین نمرات کیفیت دلبستگی آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی ارائه می‌شود.

جدول ۴. مقایسه زوجی میانگین نمرات کیفیت دلبستگی

آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی		مرحله مورد مقایسه		تفاوت میانگین‌ها		معیار	
		مقارن		خطای معناداری			
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۵/۳۴	۰/۷۸	۰/۰۰۱			
پیگیری		۴/۴۸	۰/۶۸	۰/۰۰۱			
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۵/۳۴	۰/۷۸	۰/۰۰۱			
پیگیری		۰/۸۶	۰/۲۰	۰/۱۱			

همانگونه نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین نمرات مرحله پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری در متغیر کیفیت دلبستگی تفاوت معنادار وجود دارد. این بدان معناست که آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا توانسته به شکل معناداری نمرات پس‌آزمون و پیگیری متغیرهای کیفیت دلبستگی را نسبت به مرحله پیش‌آزمون دچار تغییر نمایند. یافته دیگر این جدول نشان داد که بین میانگین نمرات مرحله پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته را می‌توان این چنین تبیین نمود که نمرات متغیر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر که در مرحله پس‌آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، توانسته این تغییر را در طول دوره پیگیری نیز حفظ نماید.

پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیر کیفیت دلبستگی ($F=0/14$; $P=20$) برقرار است. همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیر کیفیت دلبستگی ($P=0/71$) رعایت شده است. از طرفی نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت نمره‌های پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و گروه گواه در متغیر وابسته (کیفیت دلبستگی) معنادار نبوده است ($p>0/05$). این در حالی بود که نتایج آزمون موچلی بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در متغیر کیفیت دلبستگی ($Mauchlys W=0/92$; $P=49$) رعایت شده است.

جدول ۳. تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تاثیرات

درون و بین گروهی در متغیر کیفیت دلبستگی		مجموع درجه		میانگین		مقدار مقدار p		اندازه توان	
		مجذورات آزادی		مجذورات f		اثر آزمون			
مرحله	۲	۲۲۲/۱۱	۴۳/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۴۴۴/۲۳			
گروه‌بندی	۱	۱۲۷۲/۹۷	۲۳/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۱۲۷۲/۹۷			
تعامل مراحل و گروه‌بندی	۲	۲۵۵/۷۹	۵۰/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۶۷	۵۱۱/۵۹			
خطا	۵۰	۲۵۲/۸۵			۵/۰۵				

نتایج جدول ۳ نشان داد بر اساس ضرایب F محاسبه شده، عامل زمان تاثیر معناداری بر نمرات کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر داشته و این عامل ۶۳ درصد از تفاوت در واریانس‌های نمرات کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر را تبیین می‌کند. علاوه بر این، بر اساس ضریب F محاسبه شده، عامل عضویت گروهی یا آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا هم بر نمرات کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر تاثیر معنادار داشته و ۴۷ درصد از تفاوت در نمرات کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر را تبیین می‌کند. علاوه بر این، نتایج نشان دهنده آن است که اثر متقابل نوع درمان یعنی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا و عامل زمان هم بر نمرات

بحث و نتیجه گیری

اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت گرا بر کیفیت دلبستگی دانش آموزان دختر پایه پنجم دبستان هدفی بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که فرزندپروری مثبت گرا بر کیفیت دلبستگی دانش آموزان دختر پایه پنجم دبستان تأثیر معنادار دارد. یافته این پژوهش مبنی بر اثر فرزندپروری مثبت گرا بر بهبود کیفیت دلبستگی دانش آموزان دختر پایه پنجم دبستان با نتایج پژوهش پیشین همسویی داشت. چنانکه کامینگ و همکاران (۲۰۲۲) و اسوندسن، گریفین و فورکی (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که والدگری مثبت منجر به بهبود شایستگی رفتاری و اجتماعی، تاب‌آوری روانی و رفتاری کودکان می‌شود. همچنین دوموف و نایک (۲۰۱۸) و لورن و همکاران (۲۰۱۸) گزارش کرده‌اند که آموزش مبتنی بر تعاملات والد-فرزند مثبت بر کاهش مشکلات رفتاری و تغذیه‌ای کودکان موثر است. نازی و همکاران (۲۰۱۸) نیز اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر بهبود عملکرد هیجانی و روان‌شناختی کودکان دارای اختلالات رفتاری را تایید کرده‌اند. این در حالی است که کریم‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) گزارش کرده‌اند برنامه والدگری مثبت گرا بر خودکارآمدی، ناگویی هیجانی و بار روانی مادران کودکان با مشکلات رفتاری موثر است. علاوه بر این جولانیها، جان‌بزرگی، علی‌پور و پسندیده (۱۴۰۰) و شیخی و لاشانی و جوادزاده شهشانی (۱۳۹۹) نشان داده‌اند که فرزندپروری مثبت گرا منجر به بهبود حرمت خود، خودکارآمدی و خودمهارگری و کاهش کم‌توجهی و بیش‌فعالی-تکانشگری کودکان می‌شود. علاوه بر این حاج خدادادی و همکاران (۱۴۰۰) و حاتمی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که آموزش فرزندپروری مثبت منجر به بهبود والدگری موثر و کیفیت رابطه والد-فرزند مادران می‌شود. همچنین فرساد، نجارپوریان و شنبیدی (۱۳۹۷) و رضایی، غضنفری و رضائیان (۱۳۹۶) گزارش کرده‌اند که آموزش والدگری مثبت منجر به افزایش شادزیستی و کاهش تعارض والد-فرزند و مشکلات رفتاری

دانش آموزان می‌شود. ویدیاواتی و همکاران (۲۰۲۱) و شان و همکاران (۲۰۱۹) نیز اثر فرزندپروری مثبت را بر تاب‌آوری والدین، کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی کودکان تایید کردند. در نهایت جیانگ و همکاران (۲۰۲۱) نقش موثر والدگری مثبت بر سلامت روانی و رفتاری فرزندان را مورد تایید قرار داده‌اند.

در تبیین احتمالی این یافته مبنی بر اثر آموزش فرزندپروری مثبت گرا بر کیفیت دلبستگی دانش آموزان دختر می‌توان بیان نمود که مشکلات رفتاری، روانی و دلبستگی فرزندان تأثیر مستقیمی بر رابطه والدین و فرزندان می‌نهد. همچنین تحقیقات حاکی از این است که خانواده فرزندان دارای اختلال‌های رفتاری، روانی و هیجانی به خانواده‌های فرزندان بهنجار از عملکرد مخرب‌تری برخوردارند (شاه و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین باید اشاره کرد که رفتارهای منفی والدین (مانند فریاد زدن، تهدید کردن)، رفتارهای منفی فرزند (مانند بی‌مسئولیتی و نافرمانی) را تقویت می‌کند که این مسئله رفتارهای والدین را بدتر کرده و ممکن است منجر به خشونت و رفتارهای تکانشی بیشتر کودکان و کاهش کیفیت دلبستگی شود. با علم به چنین فرایندی آموزش فرزندپروری مثبت گرا با تقویت رابطه مثبت والدین با فرزند، و آموزش والدین به اینکه با ثبات باشند و تکنیک‌های غیرخشونت‌آمیز را به کار برند، این چرخه معیوب را می‌شکند. در برنامه فرزندپروری مثبت، والدین با بکارگیری شیوه‌های فرزندپروری بهنجار و اصلاح ساختار تعامل والد با کودک، مهارت‌هایی برای ایجاد روابط امن و در جهت رشد فرزندشان فرا می‌گیرند و به این ترتیب رفتارهای سازگارانه را در فرزند ایجاد و افزایش داده و رفتارهای منفی را در آنان کاهش می‌دهند. همچنین در این برنامه والدین یاد می‌گیرند که فرزندشان نزدیک شوند، سبک‌های والدینی مؤثرتری که منطبق با نیازهای فرزندشان است به کار برند و به رفتارهای سازگارانه فرزند توجه کرده و رفتارهای ناسازگارانه وی را نادیده بگیرند. این چرخه نیز باعث بهبود کیفیت دلبستگی کودکان می‌شود. علاوه بر این آموزش

پژوهش حاضر همانند پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بود، همانند محدود بودن جامعه پژوهش به دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان، عدم مهارت‌های شخصیتی، فیزیولوژیکی، اجتماعی و خانوادگی تاثیرگذار بر رفتارهای محل و مخرب و خودکنترلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم و عدم بهره‌گیری از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری نتایج، در سطح پیشنهاد پژوهشی، این پژوهش در جنسیت پسر، سایر پایه‌ها، دیگر اختلال‌های رفتاری، روانی و هیجانی، مهارت‌های دیگر ذکر شده و استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی اجرا شود. با توجه به اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا بر کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان، در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود، مسئولان آموزش و پرورش با فعال کردن مشاوران مدارس و متخصصان مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی آموزش و پرورش نسبت به شناسایی کامل دانش‌آموزان با کیفیت دلبستگی پایین اقدام نموده و با آموزش مشاوران و متخصصان روان‌شناسی کودک مراکز مربوطه و با بکارگیری آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا و با مشارکت والدین، نسبت به بهبود کیفیت دلبستگی آنان اقدام نمایند تا بدین طریق بتوان سلامت روان این دانش‌آموزان را افزایش داده و عملکرد تحصیلی بهتری را نیز از آنان مشاهده نمود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بود. بدین وسیله از تمام دانش‌آموزان حاضر در پژوهش، والدین آنان و مسئولین آموزش و پرورش مدارس ابتدایی منطقه ۵ تهران که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.

فرزندپروری مثبت‌گرا به والدین می‌آموزد تا با اصول تغییر رفتارهای مخرب کیفیت دلبستگی کودکان آشنا شده و عواملی که سبب تقویت یا کاهش این عوامل می‌شوند، را بشناسند. همچنین این برنامه والدین را با ماهیت چرخه‌ای تعاملات منفی والد فرزند، رفتارهای والدینی که باعث حفظ و نگهداری اختلالات رفتاری و هیجانی در فرزندان می‌شوند، آشنا می‌سازد. مجموع این شرایط باعث می‌شود که کیفیت تعاملی والدین با فرزندان خود افزایش یافته و این امر بهبود رفتارهای سازگارانه را در کودکان در پی داشته و منجر به بهبود کیفیت دلبستگی کودکان می‌شود. در تبیین دیگر می‌توان گفت در برنامه فرزندپروری مثبت، والدین مهارت‌هایی برای ایجاد روابط امن و در جهت رشد فرزندان فرا می‌گیرند (دوموف و نایک، ۲۰۱۸). فرزندپروری مثبت‌گرا به وسیله تشویق تعاملات مثبت والد-فرزند و آموزش والدین به اینکه چطور باثبات باشند و تکنیک‌های انضباطی غیرخشونت‌آمیز را به کار گیرند، کمک می‌کند تا چرخه ایجاد و تقویت رفتارهای منفی شکسته شده و از این طریق کیفیت دلبستگی کودکان نیز افزایش یابد. همچنین در این برنامه دو دسته از مهارت‌ها در دو مرحله متوالی درمان مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله تعامل والد-مخبر، والدین برای افزایش فرمان‌پذیری و کاهش رفتارهای محل کودکان، مهارت‌های لازم را فرا می‌گیرند. در فرزندپروری مثبت‌گرا عمدتاً اهدافی همچون بهبود کیفیت روابط والد-فرزند، کاهش مشکلات و مسائل رفتاری و افزایش رفتارهای اجتماعی، افزایش مهارت‌های والدینی شامل انضباط مثبت، کاهش استرس والدینی و بهبود عملکرد شناختی کودک دنبال می‌شود (لورن و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین در روند این درمان والدین یاد می‌گیرند تا شیوه‌های سازنده‌ای برای کنار آمدن با احساساتی همچون ناکامی را شکل داده و تقویت کنند. آموزش فرزندپروری مثبت‌گرا باعث می‌شود والدین رفتارهای کودکان را به شیوه مؤثرتری مدیریت کنند و از این طریق رفتارهای مطلوب کودکان افزایش یافته و کیفیت دلبستگی نیز بهبود می‌یابد.

منابع

- بخونده، م.، قیاسی پیرزمان، م.، الهیان، م. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان مبتنی بر دلبستگی بر کاهش علائم اضطراب، احساس تنهایی و عزت نفس کودکان پسر بی سرپرست. سلامت جامعه، ۱۵(۲)، ۱۱-۱.
- جولانیها، ن.، جان بزرگی، م.، علی پور، ا.، پسندیده، ع. (۱۴۰۰). مقایسه میزان اثربخشی فرزندپروری چند بعدی معنوی خداسو و فرزندپروری مثبت بر حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری کودکان دارای والدین پر استرس. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۹(۲)، ۲۹۲-۲۷۶.
- حاتمی فر، خ.، زارع، ح.، شهریاری احمدی، م. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی آموزش والدگری مثبت و مدیریت والدین بر بهبود رابطه والد-کودک. سلامت روان کودک، ۷(۳)، ۳۹-۲۵.
- حاج خدادادی، د.، اعتمادی، ع.، عابدی، م.، جزایری، ر. (۱۴۰۰). اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت بر والدگری موثر و کیفیت رابطه والد-فرزند در مادران دارای نوجوان. مجله علوم روانشناختی، ۲۰(۹۸)، ۱۹۷-۱۸۵.
- خدابخشی کولایی، آ.، شاهی، ع.، نویدیان، ع.، و مصلی زاده، ل. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت به مادران کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش فعالی در کاهش مشکلات برونی سازی شده کودک، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۷(۳)، ۴۳-۱۳۷.
- رضایی، ف.، غضنفری، ف.، و رضائیان، م. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی والدگری مثبت بر استرس و خودکارآمدی والدگری مادران و مشکلات رفتاری دانش آموزان کم توان ذهنی، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۱۵(۱)، ۱۶-۷.
- سلیمانی، ح.، بشاش، ل.، لطیفیان، م. (۱۳۹۳). خصوصیات روانسنجی پرسشنامه روابط میانی دلبستگی برای دوره سنی میانی کودکی، روش ها و مدل های روانشناختی، ۴(۱۶)، ۴۱-۶۳.
- شیخی ولاشانی، ز.، جوادزاده شهشهانی، ف. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت بر کم توجهی و بیش فعالی - تکانشگری کودکان مبتلا به اختلال کم توجهی و بیش فعالی بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان مبتلا به اختلال کم توجهی و بیش فعالی. توانمندسازی کودکان استثنایی، ۱۱(۴)، ۲۵-۳۶.
- صدری، م.، زارع بهرام آبادی، م.، غیثی، م. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان مبتنی بر دلبستگی بر کیفیت دلبستگی و مهارت اجتماعی کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله ای. فصلنامه سلامت روانی کودک، ۳(۲)، ۱۱-۲۲.
- علی قنوتی، س.، شریفی، ط.، غضنفری، ا.، عابدی، م.، نقوی، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی بسته آموزشی تعامل والد- فرزند بر کیفیت دلبستگی کودکان دارای تعامل مادر- کودک ناکارآمد. نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، ۱۰(۲)، ۲۴۹-۲۳۷.
- فرشاد، م.، ر.، نجارپوریان، س.، و شنبیدی، ف. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش والدگری مثبت مبتنی بر روی آورد ساندروز بر شادزیستی و تعارض والد- فرزند دانش آموزان. فصلنامه سلامت روان کودک، ۵(۱)، ۵۹-۶۷.
- کریم زاده، م.، خدابخشی کولایی، آ.، داوودی، ح.، حیدری، ح. (۱۴۰۰). اثربخشی برنامه والدگری مبتنی بر روان شناسی مثبت گرا بر خودکارآمدی، ناگویی هیجانی و بار روانی مادران کودکان با مشکلات رفتاری. پرستاری کودکان، ۷(۳)، ۱۱-۱.
- Kappenberg, E.S., Halpern, D.F. (2006). Kinship Center Attachment Questionnaire: Development of a Caregiver-Completed Attachment Measure for Latency-Aged for Children. *Educational and Psychological Measurement*, 66(5), 852-873.
- Cumming, M.M., Poling, D.V., Patwardhan, I., Ozenbaugh, I.C. (2022). Executive function in kindergarten and development of behavioral competence: The moderating role of positive parenting practices. *Early Childhood Research Quarterly*, 60, 161-172.
- DabiriyaniTehrani, H., Yamini, S. (2020). Dataset of parenting practices, self-control and anti-social behaviors: Meta-analytic structural equation modeling. *Data in Brief*, 32, 1061-1065.
- Domoff, S.E., Niec, L.N.(2018). Parent-child interaction therapy as a prevention model for childhood obesity: A novel application for high-risk families. *Children and Youth Services Review*, 91, 77-84.
- Jiang, S., Jiang, C., Ren, Q., Wang, L. (2021). Cyber victimization and psychological well-being among Chinese adolescents: Mediating role of basic psychological needs satisfaction and moderating role of positive parenting. *Children and Youth Services Review*, 130, 1062-1065.
- Kennedy, S. C., Kim, J.S., Tripodi, S.J. Brown, M.S. & Gowdy. G. (2014). Does Parent-Child Interaction Therapy Reduce Future Physical Abuse? A Meta-Analysis. *Research on Social Work Practice*, 18, 1-10.
- Lauren, N.M.W., Quetsch, L.B., Robinson, C., McCoy, K., McNeil, C.B.(2018). Infusing parent-child interaction therapy principles into community-based wraparound services: An evaluation of feasibility, child behavior problems, and staff sense of competence. *Children and Youth Services Review*, 88, 567-581.
- Ludmer, J.A., Salsbury, D., Suarez, J., Andrade, B.F. (2017). Accounting for the impact of parent internalizing symptoms on Parent Training benefits: The role of positive parenting. *Behaviour Research and Therapy*, 97, 252-258.

- N'zi, A.M., Lucash, R.E., Clionsky, L.N., Eyber, S.M. (2018). Enhancing Parent-Child Interaction Therapy With Motivational Interviewing Techniques. *Cognitive and Behavioral Practice*, 24(2), 131-141.
- Shan, W., Zhang, Y., Zhao, J., Zhang, Y., Cheung, E.F.C., Chan, R.C.K., Jiang, F. (2019). Association between Maltreatment, Positive Parent-Child Interaction, and Psychosocial Well-Being in Young Children. *The Journal of Pediatrics*, 213, 180-186.
- Svendsen, S., Griffin, J., Forkey, H. (2020). Using the Attachment Relationship and Positive Parenting Principles to Build Childhood Resilience. *Advances in Pediatrics*, 67, 15-28.
- Turner, K. T., Mrkie-Dadds, C., & Sanders, M.R. (2002). *Facilitator's manual group Triple P*. (ed. II Revised). Milton: Triple P International Pty. Ltd.
- Widyawati, Y., Scholte, R.H., Kleemans, T., Otten, R. (2021). Positive parenting and its mediating role in the relationship between parental resilience and quality of life in children with developmental disabilities in Java Island, Indonesia. *Research in Developmental Disabilities*, 112, 1039-1043.
- Yamaoka, Y., Bard, D.E. (2019). Positive Parenting Matters in the Face of Early Adversity. *American Journal of Preventive Medicine*, 56(4), 530-539.
- Hsu, F.C., Scott, N. (2020). Food experience, place attachment, destination image and the role of food-related personality traits. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 44, 79-87.
- Feniger-Schaal, R., Joels, T. (2018). Attachment quality of children with ID and its link to maternal sensitivity and structuring. *Research in Developmental Disabilities*, 76, 56-64.
- Pace, C.S., Guerriero, V., Zavattini, G.C. (2020). Children's attachment representations: A pilot study comparing family drawing with narrative and behavioral assessments in adopted and community children. *The Arts in Psychotherapy*, 67, 1016-1020.
- Choi, E.J., Taylor, M.J., Hong, S., Kim, C., Yi, S. (2018). The neural correlates of attachment security in typically developing children. *Brain and Cognition*, 124, 47-56.
- Gerra, M.L., Gerra, M.C., Tadonio, L., Pellegrini, P., Marchesi, C., Mattfeld, E., Gerra, G., Ossola, P. (2021). Early parent-child interactions and substance use disorder: An attachment perspective on a biopsychosocial entanglement. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 131, 560-580.
- Zhao, F., Liu, M., Li, S. (2020). Paternal coparenting behavior and adolescent prosocial behaviors: Roles of parent-child attachment, peer attachment, and gender. *Children and Youth Services Review*, 119, 1056-1059.
- Morley, T.E., Moran, G. (2011). The origins of cognitive vulnerability in early childhood, attachment to later depression. Mechanisms linking early Clinical Psychology Review, 31(7), 1071-1082.
- Magnin, E., Maurs, C. (2017). Attention-deficit/hyperactivity disorder during adulthood. *Revue Neurologique*, 173(7), 506-515.
- Kwok, S.Y.C.L., Gu, M., Cheung, A.P.S. (2017). A longitudinal study of the role of children's altruism and forgiveness in the relation between parental aggressive discipline and anxiety of preschoolers in China. *Child Abuse & Neglect*, 65, 236-247.
- Qu, G., Wang, L., Tang, X., Wu, W., Zhang, J., Sun, Y. (2020). Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. *Archives de Pédiatrie*, 27(1), 12-17.
- Shuang, M., Yiqing, W., Ling, J., Guanzhen, .O, Jing, G., Zhiyong, Q., Xiaohua, W. (2022). Relationship between parent-child attachment and depression among migrant children and left-behind children in China. *Public Health*, 204, 1-8.
- in high and low sensation-seekers. Drug and alcohol dependence, 2009; 100(1-2), 91-99.

*Original Article***Efficacy of Positivist Parenting Training on Attachment Quality in Fifth-Grade Primary School Female Students**

Received: 20/06/2022 - Accepted: 17/09/2022

Vahideh Azimi ¹
 Reza Ghorban Jahromi ^{2*}
 Fareiborz Dortaj ³
 Khadijeh Abolmaali ⁴

¹ PhD Student in Educational Psychology, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran.

³ Professor, Department of Educational Psychology, Department of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

⁴ Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email: sh.abolghasemi@toniau.ac.ir

Abstract

Introduction and purpose: Paying attention to children's psychological, emotional, cognitive, psychological and attachment processes can provide the basis for reducing psychological harm. according to this the present study was conducted to investigate efficacy of positivist parenting method training on attachment quality in fifth-grade primary school female students.

Methodology: It was a quasi-experimental study with pretest, posttest, control group, with control group design. Follow-up period was administered in two months too. The statistical population of the study included fifth-grade primary school female students with and their parents in the city of Tehran in academic year 2021-22. Twenty-seven students were selected through purposive sampling method and randomly accommodated into experimental and control groups (14 students in the experimental group and 13 in the control group). The experimental group received ten ninety-minute sessions of positivist parenting training during two and half months. The applied questionnaire in this study included children's Children's Attachment Questionnaire (Kappenberg, Halpern, 2007). The data from the study were analyzed through mixed ANOVA via SPSS23 software.

Findings: The results showed that positivist parenting training has significant effect on the attachment quality of the fifth-grade primary school female students ($p < 0.001$, $\eta^2 = 0.67$, $F = 50.58$).

Conclusion: According to the findings of the study it can be concluded that positivist parenting training can be used as an appropriate method to improve attachment quality in female students through employing normal parenting methods and appropriate communication principles.

Key words

Attachment, female students', positivist parenting

Acknowledgement: There is no conflict of interest